



حکمت زندگی از منظر عرفا و فلاسفه مسلمان تخلق به اخلاق الهی است

صلواتی، استاد فلسفه گفت: حکمت زندگی از نظر فیلسوفان و عارفان مسلمان رسیدن به خدا و تخلق با اخلاق الهی است بنابراین، فلسفه و عرفان در جهان اسلام نقشه جامعی است برای دستیابی به این هدف.

صلواتی، استاد فلسفه گفت: حکمت زندگی از نظر فیلسوفان و عارفان مسلمان رسیدن به خدا و تخلق با اخلاق الهی است بنابراین، فلسفه و عرفان در جهان اسلام نقشه جامعی است برای دستیابی به این هدف.

به گزارش خبرنگار مهر، امروزه زندگی بسیار پیچیده شده و انسان ها همواره با تصمیمهای مختلفی روبروست. انتخاب راه درست و حل مسائلی که در زندگی برای ما به وجود می آید یکی از بحث انگیزترین مسائل پیش روی ماست. بسیاری از خانواده ها به خاطر عدم حل مسائل به بن بست می رسند، و به خاطر همین معضلات طلاق های عاطفی و آمار رسمی و غیر رسمی طلاق گریبان جامعه ما را گرفته است. در گفتگو با دکتر عبدالله صلواتی استادیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران به بررسی راه های حل مسأله در زندگی می پردازیم که اکنون متن آن پیش روی شماست.

*آقای دکتر! فلسفه به معنای تعقل و انتخاب بهترین گزینه و روش تحلیل و بررسی عقلانی مسائل، در زندگی عمومی افراد چه نقشی دارد؟

فلسفه به معنای عام کلمه، نوعی از تفکر است. به دیگر سخن، تفکر وجوه متفاوتی دارد؛ همانند وجه کلامی، وجه عرفانی، وجه فلسفی، وجه ادبی و ... و هر یک از این وجوه تفکر در درون خود وجوهی دارند همانند تفکر وجودی و تفکر تحلیلی در درون تفکر فلسفی؛ از این رو برای تحقق حداکثری تفکر باید به همه این وجوه اجازه گسترش دهیم و به بهانه های گوناگون مانع ظهور و گسترش وجوه مختلف تفکر نشویم.

هم جامعه پیچیده امروزی و زندگی در آن به حضور فعال همه وجوه تفکر نیاز دارد و هم انسان ها به دلیل تفاوت نوعی و به تعبیری حضور در زیست نوع های متفاوت، هر یک تمایل به حضور در وجهی از وجوه تفکر دارند. بنابراین، هیچ یک از وجوه تفکر به تنهایی بهترین گزینه در زندگی نیست، بلکه بهترین گزینه برای جامعه، معتبرسازی، سپس فعال کردن و در پایان گسترش و تعمیق همه وجوه تفکر است و بهترین گزینه برای فرد وجه تفکری ملائم با آن فرد یا زیست نوع است.

به تعبیری بهترین وجه تفکر مطابق شاکله های انسانی و متناسب با «کل میسر لما خلق له» متولد می شود. همچنین باید توجه داشت که بهترین گزینه در زندگی یا حداقل گزینه های بهتر زمانی انتخاب می شود که وجوه تفکر با یکدیگر در تعامل مؤثر باشند. بنا برآنکه هر یک از وجوه تفکر، وجهی از وجوه حقیقت و معنا را می یابد و به کارگرفتن برآیندی از وجوه تفکر میتواند تمام رخ مسأله را ببیند و پس از آن دست به انتخاب بزند اما اگر دست به حذف زده و دچار تحویلی نگری شویم و وجهی از وجوه تفکر را به نفع وجه دیگر تفکر به مسلخ بریم بی تردید در تشخیص، دآوری و انتخاب مسائل زندگی، خود را از «بهترین» محروم کردیم.

به عنوان مثال اگر در تفکر فلسفی گمان کنیم که منحصرا تفکر انتزاعی یا تجربی می تواند ما را به «بهترین» رهنمون کند سخت دچار اشتباهیم، بلکه ارمغان این انحصارگرایی «محرومیت از بهترین» است.

از میان وجوه تفکر، فلسفه می تواند به نحو بنیادی تر ساحت های وجودی مسأله و معنای زندگی را ببیند و در انتخاب شیوه ای متعالی از زیستن به ما کمک کند. به عنوان نمونه فلسفه با به دست دادن آفاق نو از زندگی و نشان دادن تمام رخ ساحت های وجودی انسان، اهداف متعالی و معانی عمیق تری فرا روی ما نهاد؛ در این حالت، سپهر وجودی اش، خدایش، جهانش، همه و همه باشکوه تر، بزرگتر، پیچیده تر و متعالی تر از گذشته می شود و با این رسالت، ما را از «محرومیت از بهترین» به در آورده و شیوه متعالی از زندگی را جایگزین شیوه متدانی زندگی می کند.

* عرفان اسلامی در دو ساحت نظری و عملی در این زمینه چه کمکی می توانند به فلسفه بکند؟

در هزارتوی عرفان اسلامی دو مسیر مشخص به چشم می آید؛ مسیری با صیغه سلوک و گره خورده با عمل و مسیری از فلز شناخت و میوه سلوک. مسیر نخست را علم سلوک، علم منازل الآخرة و علم معاملات می نامند و مسیر دوم را با نام های علم حقایق، علم مکاشفه، علم اشاره و علم بالله می شناسند. امروزه هم آن دو را در دوگانه عرفان نظری و عرفان عملی علامت گذاری

می کنند.

عرفان عملی، مجموعه برنامه ها و دستورالعمل های سلوکی است که سالک بر اساس آن منزل به منزل و پله به پله به آسمان نزدیک می شود و متخلق به اخلاق الهی و دانش عرفان عملی، بررسی آکادمیک سلوک، ریاضت، منازل و معاملات و مکاشفات عرفانی است تا با شناخت آنها ققنوس جانش را از قفس ماده به سوی بیکران ملکوت، جبروت و عالم اله پرواز دهد. عرفان نظری هم بر سر سفره عرفان عملی نشسته و معارف شهودی برآمده از سلوک عارفانه را در پیمانه ترجمه، تحلیل، تفسیر و تبیین می ریزد.

رویش و بالندگی درخت تنومند عرفان اسلامی ریشه در زمینی مستعد و زمینه های مناسب دارد؛ داده ها و نگرش های ناب عرفانی قرآن و روایات مساعدترین شرایط را برای رشد عرفان اسلامی، تقویت و تحکیم آن فراهم آورده و از سوی دیگر، عرفان اسلامی هم زمینه ای شده برای کشف دلالت های پنهان عرفانی آیات و روایات.

ارمغان سفرهای عرفانی عارف در قالب مکاشفات هم مشحون از دلالت های عرفانی است و مواد خام بسیار مناسبی برای استخراج لوازم هستی شناختی و انسان شناختی و زمینه فوق العاده ای جهت تحلیلهای سیستمی محققان در لابراتوار عرفان نظری است. بنابراین عرفان نیز در ابعاد گوناگون زندگی تصاویر هستی شناختی عمیقی از انسان، خدا و جهان عرضه می کند و انسان را به تجربه لایه های زیرین و متعالی هستی فرا می خواند؛ لذا اگر بگوییم عرفان - بدان معنایی که اشاره شد- روح و معنابخش جامعه متعالی است بیراه نگفتیم.

***دیگر راه های شناخت انسان برای زندگی بهتر فردی و اجتماعی چیست؟**

همان طور که گفته شد: فلسفه و عرفان وجهی از وجوه تفکرند نه وجه منحصر. بنابراین که هم مسائل زندگی امروز چند تباری اند و هم هر انسانی نوعی منحصر. بنابراین، هر یک از شاخه های علوم انسانی، همانند فلسفه، تاریخ، جامعه شناسی، روان شناسی، عرفان و.. به ما کمک می کند تا ساحتی از ساحت های زندگی را فهمیده ورق زنیم و تحلیلی منسجم و سازوار از آن داشته باشیم و هیچ یک از این شاخه ها نمی تواند ما را بی نیاز از شاخه دیگر کند اما باید توجه داشت که این تحلیل به منزله نفی هرگونه تقدم و تأخر میان شاخه های علوم انسانی نیست. برخی از شاخه ها مانند فلسفه و عرفان بنیادی تر از شاخه های دیگرند اما این بنیادی بودن آنها به منزله استغنائی فیلسوف و عارف در تحلیل همه جانبه مسائل از دیگر دانش ها نیست.

***حکمت زندگی انسان در این جهان براساس اندیشه های فیلسوفان و عارفان مسلمان چیست؟**

نفس کشیدن در دنیای بیکران و پر از رمز و راز و معما و پرسش، انسان را گرفتار وحشت و اضطراب می کند و آدمی در آن احساس گمشدگی می کند. از سویی انسان زندگی آرام را دوست دارد. بنابراین سعی می کند در دل هیاهوی جهان نامتناهی، دنیایی کوچک اما آرام برای خود بسازد تا فارغ از هجوم حیرتها و پرسشها آسوده زندگی کند. خدای این دنیای کوچک نیز خدایی کوچک است؛ این انسان اما چاره ای برای گمشدگی اش نیندیشید و توهم پیدا شدن و رستگاری دارد.

آرامش دنیای کوچک و مأنوس او هم ترد و شکننده است و اتفاقاتی همانند بیماریهای سخت، مرگ عزیزان، جنگها و حوادث طبیعی همه آن آرامش را در هم می پیچد. جهان پیامبران اما جهان بزرگی است و خدای این جهان بزرگ، بی انتها؛ خدای خاتم انبیا آن چنان بزرگ بود که رسول الله (ص) با همه معرفتش می فرمود: خدایا تو را چنان که شاید نشناخته ایم.

حکمت زندگی از نظر فیلسوفان و عارفان مسلمان رسیدن به خدا و تخلق با اخلاق الهی است. بنابراین، فلسفه و عرفان در جهان اسلام به یک معنا نقشه جامعی است برای دستیابی به هدف بالا تا بر پایه آن، انسان، از دنیای کوچک به جهانی بیکران دست یافته و از خدای کوچک و ساخته ذهن بشر به خدای بیکران بیبوند. البته در پرتو اشراقات و تعالیم پیامبر. بنابراین، فیلسوف و عارف کسی است که چیزی را برجای می گذارد و چیزی را با خود می برد و چیزی را به دست می آورد؛ او فهم و وجود ناسوتی خویش را بر جای می گذارد؛ ایمان به بیکران را با خود می برد و خدا را به دست می آورد و آنکه خدا را به دست آورده از همه بزرگتر است.